

رئیس جمهوری در جلسه ستاد ملی مقابله با کرونا:

## امروز همه توان دولت برای خرید واکسن متمرکز است

در صفحه اجتماعی بخوانید



سال بیست و هفتم ■ شماره ۷۵۷۷ ■ یکشنبه ۱۰ اسفند ۱۳۹۹ ■ ۱۶ رجب ۱۴۴۲ ■ ۲۰ صفحه

# من \_ ماسک \_ می زنم



با حضور جهانگیری انجام شد

## افتتاح طرح‌های اقتصادی در گلستان

در صفحه اقتصادی بخوانید



قیمت در تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان / دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان ■ Sunday 28 Feb 2021

### ضرورت تقویت کانال دیپلماسی میان تهران و بغداد

«فؤاد حسین»، وزیر خارجه عراق در حالی برای دومین بار در ماه‌های اخیر به تهران سفر کرده است که به نظر می‌رسد وقوع تحولاتی در منطقه، تقویت کانال‌های دیپلماسی میان تهران و بغداد را ضروری کرده است. حمله مشکوک به سرکنسولگری آمریکا در عراق که برای چندمین بار در ماه‌های اخیر اتفاق افتاد، نشان از تداوم تلاش‌هایی دارد که با هدف متشنج نگه داشتن رابطه میان ایران و آمریکا صورت می‌گیرد. علی‌رغم اینکه تصویری شد بعد از روی کار آمدن «جو بایدن» در آمریکا زمینه‌هایی برای کاهش تنش میان تهران و واشنگتن فراهم شود و بسیاری منتظر بودند که دیپلماسی مجدداً فعال شود و دو کشور درباره موضوعات مورد اختلاف با یکدیگر گفت‌وگو کنند اما بروز وقایعی در یک‌الی دو ماه اخیر روندی را خلاف آنچه پیش‌بینی می‌شد، حاکم کرد تا نگرانی‌ها پیرامون تعمیق این درگیری‌ها بویژه از سوی کشورهای که در کانون این درگیری‌ها هستند، افزایش یابد.

ادامه در صفحه ۲

### بازگشت

#### کابوس «خاشقچی»

با گذشت بیش از دو سال از قتل «جمال خاشقچی»، روزنامه‌نگار عربستانی در کنسولگری عربستان در استانبول پرونده این جنایت توسط دولت بایدن گشوده شده و شخص محمدین سلمان به عنوان متهم اصلی در قتل بازخواست می‌شود. پس از وقوع این رویداد در ۲ اکتبر ۲۰۱۸ و براساس گزارش امنیتی ترکیه، نحوه قتل و حضور گروه تروریست‌ها به تریه تحت پوشش مصونیت دیپلماتیک و تلاش‌های جنس مقتول در فاضلاب کنسولگری عربستان مشخص بود که قتل «خاشقچی» با طراحی و حمایت مستقیم بالاترین مقام عربستان رخ داده و دولت ترکیه وعده داد که عاملان قتل را معرفی خواهد کرد اما از آنجا که دولت ترامپ در یک تفاهم‌پشت‌پرده از هرگونه پیگرد محمد بن سلمان مناعت کرد، روند تحقیقات بدون اعلام نتیجه متوقف شد. اما با روی کار آمدن دولت «جو بایدن» در آمریکا و ارتباط عضوی دموکرات‌ها با عموزادگان بن سلمان که هر یک به نوعی متهم و در بند هستند، این پرونده گشوده شده و پیش‌بینی می‌شود جزئیات بیشتر این قتل با هدف تضعیف و برکناری محمدین سلمان از قدرت منتشر شود.

ادامه در صفحه ۲

### یادداشت



مصیب نعیمی  
کارشناس مسائل منطقه

## گزارش آمریکا درباره قاتل خاشقچی

محمدین سلمان ولیعهد عربستان امر قتل جمال خاشقچی خوانده شد اما در لیست مجازات قرار نگرفت

Reuters



سلطنت خود می‌دانسته و از هرگونه اقدامی برای ساکت کردن او حمایت می‌کرده است. به طوری که حتی پیش‌تر از جنایت سال ۲۰۱۸ نیز اقداماتی علیه او انجام شده اما بی‌نتیجه مانده بود. اما با همه این دلایل به نوشته الجزیره، به وزارت خارجه عربستان این اتهام را بی‌اساس خوانده و در واکنش به آن در بیانیه‌ای نوشت: «عربستان به طور کامل این گزارش را رد کرده است و مستندات آن را غیرقابل قبول می‌داند. این جنایت مغایر با قوانین و ارزش‌های عربستان است و افرادی که در این قتل مشارکت داشتند شناسایی و محاکمه شده‌اند. این روند از سوی خانواده «جمال خاشقچی» نیز مورد استقبال قرار گرفت.» گفته می‌شود دولت سعودی در سال ۲۰۱۹ با اهدای خانه‌های چند میلیون دلاری و تعیین حقوق ماهیانه برای ۴ فرزند خاشقچی به‌عنوان غرامت این جنایت رضایت آنها را گرفته است، به طوری که «اصلاح» یکی از پسران این روزنامه‌نگار نیز چندی بعد در تونیتی اعلام کرد خانواده او قاتلان پدرش را بخشیده‌اند.

اما انتشار این گزارش آن هم پس از سال‌ها پنهانکاری دولت «دونالد ترامپ»، به نظر نمی‌رسد تغییر محسوسی در رفتار آمریکا در برابر خاندان سعودی ایجاد کند. چراکه دولت بایدن نگران از تبعات دیپلماتیک مجازات ولیعهد سعودی تنها تحریم‌هایی را علیه برخی مقامات

مفحه ۴ را بخوانید

زهره صفاری/ حدود دو سال پس از قتل «جمال خاشقچی»، روزنامه‌نگار منتقد سعودی، «محمد بن سلمان»، ولیعهد جوان عربستان در گزارش امنیتی ۴ صفحه‌ای دولت جدید آمریکا به‌عنوان متهم ردیف اول این جنایت فجیع معرفی شد.

گزارشی که گرچه دور از انتظار نبود و هیچ مجازاتی را از سوی آمریکا متوجه شاهزاده جوان سعودی نکرده اما از سوی وزارت خارجه عربستان کذب و بی‌اساس خوانده شده است. به گزارش «نیویورک تایمز»، این گزارش که تحت نظر تیمی اجرایی از سوی دولت «جو بایدن» و با هدایت سازمان سیا آمریکا انجام شده است، با توجه به سلطه بن سلمان بر عربستان از سال ۲۰۱۷ و فضای خفقان و رعب‌انگیز عربستان تحت حاکمیت او، هیچ اقدامی به مراتب کوچکتر از این جنایت فجیع را بدون رضایت شاهزاده جوان سعودی قابل انجام ندانسته است. از طرفی مداخله مشاور اصلی و اعضای تیم حفاظت ولیعهد جوان در این جنایت، حمایت او از سرکوب منتقدان خارجی مانند «جمال خاشقچی» ستون نویس واشنگتن پست و از طرفی کنترل کامل بن سلمان بر ارگان‌های امنیتی و اطلاعاتی عربستان، نشان می‌دهد که این جنایت با فرمان شاهزاده سعودی انجام شده است. از سوی دیگر بن سلمان، «خاشقچی» را به‌عنوان تهدیدی برای

موضوع منقعل آمریکا  
اما انتشار این گزارش آن هم پس از سال‌ها پنهانکاری دولت «دونالد ترامپ»، به نظر نمی‌رسد تغییر محسوسی در رفتار آمریکا در برابر خاندان سعودی ایجاد کند. چراکه دولت بایدن نگران از تبعات دیپلماتیک مجازات ولیعهد سعودی تنها تحریم‌هایی را علیه برخی مقامات

### فؤاد حسین با حضور در تهران خبر داد

# آغاز روند پرداخت بدهی‌های عراق به ایران

گروه سیاسی/ «فؤاد حسین»، وزیر امور خارجه عراق روز گذشته برای دومین بار در کمتر از یک ماه گذشته به تهران سفر کرد و با شماری از مقام‌های بلندپایه کشورمان دیدار و گفت‌وگو کرد. او پیش‌تر در بهمن ماه سال جاری نیز در رأس هیأتی دیپلماتیک به تهران سفر کرده و با محمدجواد ظریف، هم‌تای ایرانی خود و رئیس جمهوری و دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران دیدار و گفت‌وگو کرده بود. این سفر در حالی صورت گرفته است که بروز تحولاتی در منطقه از جمله حملات اخیر به نمایندگی آمریکا در عراق و ادعای انتساب این حملات به نیروهای نظامی ایران و همچنین روند بازپرداخت بدهی‌های عراق به ایران از جمله

مفحه ۲ را بخوانید

رئیس سازمان برنامه و بودجه عنوان کرد

## دولت یک روز هم در پرداخت یارانه نقدی تأخیر نکرد

۸

احمد میردی از تجربه متفاوت صفویه و پهلوی در نسبت حکومت و گروه‌های مدنی می‌گوید

## نیروهای اجتماعی برای توسعه با حاکمیت ائتلاف کنند

۱۴ و ۱۵



سال کرونایی شما چگونه گذشت؟

## توقف زمان در اسفند ۹۸

۱۳

چشم جهان به تاریخ گمشده اصفهان

## «تپه اشرف» بزرگترین سایت موزه خاورمیانه می‌شود

۱۶

«ایران» از به‌روزترین تحولات اقتصادی جهان گزارش می‌دهد

## واکسن کرونا، قوی‌ترین محرک اقتصادی در ۲۰۲۱

۷

اسماعیل حسین زهی، عضو هیأت رئیسه فراکسیون ورزش مجلس در گفت‌وگو با «ایران»:

## دولت و مجلس هیچ دخالتی

## در انتخابات فدراسیون فوتبال ندارند

۱۸

هر روز با شما در اینجا خواهیم بود، صدای شما، حرف شما و پیشنهاد شما را می‌شنویم و می‌خوانیم و بازگو می‌کنیم. با ما همراه باشید، بگوئید و بنویسید  
تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۶۹۰۷۵ - پیامک: ۳۰۰۰۴۱۲۱۳

سلام  
ایران

### نظر مردم

کارت اینترسربازان دوران جنگ/ آقای دیدار از ساری: می‌خواستم در خصوص اینترگرانی که سرباز وظیفه بودند، رئیس جمهوری یا هیأت دولت جواب بدهند که لایحه‌ای در مجلس تصویب شده که هر کس بیش از ۶ ماه در منطقه عملیاتی بوده برایش حق و حقوقی در نظر بگیرند. آیا توی این سال‌ها هنوز برای این اینترگران تصمیمی نگرفته‌اند که حق و حقوقی پرداخت شود؟

عوارض تابلوی واحد صنفی/ علی کیانی: سال ۹۷ دیوان عدالت اداری رای صادر کرد که شهرداری حق گرفتن عوارض بابت واحدهای صنفی ندارد و سال ۹۷ شهرداری این عوارض را نگرفت. سال ۹۸ به خاطر مسائل کرونایی خبری نبود و الان برای کلیه واحدهای صنفی قبض عوارض صنفی در نظر

گرفته شده با رقم‌های بسیار بالا و عوارض سال ۹۸ را هم در آن لحاظ کرده‌اند. برای بنده که یک واحد ۱۵ متری اجاره‌ای برای لوازم بدکی در انتهای تهرانسر دارم، حدود ۱۳ میلیون عوارض تابلو آمده در صورتی که هر ساله بابت عوارض پسماند، شهرداری و اتحادیه مبلغی پرداخت می‌کنم و حدود ۸ میلیون مالیات می‌دهم.

تکمیل نشدن زیرگذر قائمشهر بعد از ۱۴ سال/ آقای قربانی: مدت ۱۴ سال است که زیرگذر ۵ کیلومتری ورودی به قائمشهر روستای متون کلا هنوز تکمیل نشده و نماینده محترم مجلس هم در دوره قبل و هم دوره فعلی پیگیر بوده و قول تکمیل آن را داده‌اند اما تاکنون تکمیل نشده و هر ساله تعداد زیادی تصادفات شدید در این مسیر رخ می‌دهد. از مسئولان محترم راه و شهرسازی شهرستان قائمشهر تقاضای رسیدگی داریم.

### استودیو خبر ایران

خبرهای تصویری از استودیو خبر روزنامه ایران. خبرها و تحلیل‌های روزانه در هر شب از استودیو خبر «ایران» ببینید. در این برنامه علاوه بر اخبار تصویری، تحلیلگران و کارشناسان به تحلیل رویدادهای روز می‌پردازند. همچنین آخرین ویدیوهای گروه چندرسانه‌ای «ایران» و نیز کلیپ‌های تصویری جذاب هر روز به تصویر کشیده می‌شود.



بارگرا اسکن کنید  
و اخبار و تحلیل‌ها  
را از استودیو  
«ایران» ببینید

### محمولات چندرسانه‌ای «ایران»



روزنامه «ایران عصر»  
گامی تازه در اطلاع‌رسانی مجازی  
<http://irannewspaper.ir>



**■** **تا انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال آینده، فرصت زیادی نمانده است. در همین رابطه و هرچه به انتخابات نزدیک‌تر می‌شویم، محافل گوناگون فکری و سیاسی به این موضوع و میزان شانس هر یک از جریانات سیاسی و امکان پیروزی هر کدام، می‌پردازند و از محسّنات و معایب گفتمان‌های مختلف برای آینده پیش روی کشور می‌گویند. ارزیابی اولیه شما از ورود نظری به انتخابات چگونه است؟**

می‌توان از اینجا شروع کرد که رئیس جمهوری می‌تواند مشکلات اقتصادی را حل کند که کارآمدی نظام را تقویت کند. کارآمدی نظام علاوه بر یکپارچگی تصمیم‌های سیاسی و اقتصادی و خروج از تحریم، نیازمند فراگیری سیاسی است و تا زمانی که فراگیری سیاسی ایجاد نشود سیاست‌های اقتصادی قربانی صلاحیدهای سیاسی است. نکته بعدی اینکه فراگیری سیاسی نیازمند اصلاح در دکتربن حکومتاری و تغییر در سنت روشنفکری به ارت رسیده از مشروطه است و از میان آبی دو، تغییر در سنت روشنفکری تقدم دارد.

پیشتر نیز وقتی شماری از روشنفکرانی که ناکامی و شکست مشروطه در تحقق اهدافش را تجربه کردند، درس درستی از شکست مشروطه گرفته شد. آنان با شناخت محدودی که از اروپا، ژاپن و روسیه داشتند، شعار «استبداد منور!» را سر دادند. آنان از تلاش برای آزادی خسته شده بودند و برای فرار از هرج‌ومرج، قحطی و جلودگی از تجربه ایران به استقبال شکل بی‌سابقه‌ای از خودکامگی رفتند. جمعی از این روشنفکران که به «برلنی‌ها» معروف بوده‌و مشربیه «کاوّه» را در آلمان منتشر می‌کردند، از یک‌سو تجربه ناکام مشروطه ایران را پس ذهن داشته واز سوی دیگر به کشورهای اروپایی سفر کرده و با تجارب کشورهایی نظیر ایتالیا و آلمان آشنایی داشتند. آنان به این باور رسیده بودند که جامعه ایران هنوز آمادگی استقرار یک حکومت مشروطه، دموکراتیک و مبتنی بر آزادی‌های سیاسی ندارد، بلکه یک دیکتاتور مصلح مانند پتر کبیر می‌تواند کشور را در مسیر توسعه هدایت کند و به‌مرور، آمادگی لازم را برای استقرار یک حکومت مشروطه در ایران فراهم آورد. افرادی چون سید حسن زاده، احمد کسروی، مشفق کاطفی، فروغی، نصرت‌الدوله فیروز و بسیاری دیگر از چهره‌هایی که در زمره اولین حامیان فکری رضخان قرار می‌گرفتند، بر این باور بودند که تز دیکتاتوری منور، تنها راه رفت کشور از فضای بی‌ثباتی و بحران فریوپاشی پس از مشروطه است. در این میان ملک الشعرای بهار آن وضعیت را خوبی توصیف می‌کند:«... از آن واقعه هرج‌ومرج مملکت... که هر دوام دولتی به روی کار می‌آمد و می‌افتاد، حزب‌بازی، فعاشی، تهمت و ناسزاکوبی... مخالفان هر چیز و هرکس رواج کاملی یافته بود و نیجه‌اش ضعف حکومت مرکزی و قدرت یافتن راهزنان و یاقیان در اقصی نقاط کشور و هزاران مفسد دیگر بود... معتقد شدم و در جریده نوبهار مکرر نوشتم که باید حکومت مقتدری به روی کار آید... دیکتاتوری با حکومت قوی و ای هرچه... در این فکر من تنها نبودم، این فکر طبقه بافکر و آشنا به وضعیات آن روز بود... همه این را می‌خواستند...» اما این فرایند، در نهایت به چیزی

سرتیپ

موشن‌فکری

منجر شد که می‌توان آن را در دو خط‌ای تاریخی دسته‌بندی کرد؛ یعنی خط‌ای «حکومت‌داری جامعه ستیز» و «روشنفکری دولت ستیز»

**■** **به این ترتیب جنابعلی، قائل به ریشه‌های تاریخی یا رسوب تجربه‌های تاریخی در شکل‌گیری این دو رویکرد هستید؟**

دوره رضاشاه را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد؛ دوره نخست که نظام سیاسی، فراگیر با پایگاه اجتماعی و نخگی بسیار گسترده است و از روحانیون تا روشنفکران و متفکران از او حمایت می‌کنند و دوره دوم که حکومتی محدود با پایگاه اجتماعی و نخبگی بسیار محدود است. این تغییر از حکومت فراگیر به حکومت محدود، در سمت حکومت، شکل‌گیری و سپس تثبیت «سنت» حکومتداری جامعه‌ستیز» و در سمت روشنفکران، «سنت روشنفکری دولت ستیز» را در کشور ریشه دار ساخت.از سوی دیگر، به قدرت رسیدن رضاشاه با افزایش درآمد نفت همراه بود (در برخی از اسناد از ۲ میلیون پوند به ۹۰ میلیون پوند). این درآمد همراه با مجموعه مسائل دیگر مانند منازعات مختلف وقام و سران گروه‌های مختلف و مشاهده قدرت‌های اجتماعی نیروهایی مانند بازاریان و روحانیون، این قدرت مالی و اجتماعی را به رضاشاه داد که می‌توان و باید تمام قدرت‌های موجود را حذف کرد تا پایه‌های حکومت استوار باشد و مانند حکومت قاجار مضمحل نگرد.

مطابق این رویکرد، اصناف، روحانیون، اشراف قاجار، رهبران ایلات و عشایر و همه احزاب سرکوب شدند و به این ترتیب حکومت فراگیر رضاشاه، سرعت به حکومتی محدود تبدیل شد. رضاشاه میان ایران باستان و دینداری، تعارض ایجاد کرد و برخلاف سنت بسیاری از حکام ایرانی نه تنها با نهاد دین بلکه با اشکال مختلف نیروهای سازمان یافته جامعه درافتاد. از پذیرش تشکل‌های جدید مانند احزاب و کارگران بشدت امتناع ورزید و به‌دنبال تضعیف و حتی از بین بردن یکی از ریشه‌دارترین سنن تاریخی این کشور یعنی مذهب تشیع بود. به این ترتیب، می‌بینیم که رضاشاه توانست مسأله تمرکز قدرت را حل کرده و نوعی یکپارچگی سرزمینی را تحقق بخشد، اما این امر از خلال سرکوب و به سکوت کشاندن همه جریانات ایلی و عشایری در سرتاسر کشور ممکن شد؛ چراکه یکپارچگی سرزمینی لزوماً با از بین بردن نهادهای محلی و تضعیف نهادهای مستقل از حکومت بسیار می‌یابد. اما رضاشاه و پسرش بسیاری از نهادهای واسط اجتماعی را از بین بردند. به همین دلایل آن حکومت نتوانست فراگیری سیاسی را ایجاد کند. این امر ناشی از این بود که در این سنت، تصور می‌شد که به یمن درآمد نفت و به کمک سیاست‌های اداری و اقتصادی می‌توان مشکلات را حل کرد و کشور را در مسیر توسعه قرار داد.

**■ همان‌طور که برای حکومت محدود، به واقعیت تاریخی حکومت رضاشاه استفاده کردید، آیا می‌توان برای آنچه فراگیری سیاسی خواندید هم تجربه‌ای تاریخی را برشمرد؟ بویژه اینکه تاریخ معاصر ما بعد از مشروطه به‌گونه‌ای است که گویی ما همواره تجربه‌هایی توأم با دشواری و محدودیت‌های اجتماعی و سیاسی داشته‌ایم و به‌همین دلیل، تحقق**

- یکشنبه ۱۰ اسفند ۱۳۹۹**
- سال بیست و هفتم**
- شماره ۷۵۷۷**

یک نظام سیاسی فراگیر امری غیرممکن یا غیرقابل باور به‌نظر می‌رسد.

در اینجا ضروری است تا دو تجربه تاریخی متفاوت؛ یعنی صفویه و پهلوی را بررسی کنیم تا نتایج حاصله از هر دو را واکاوی کنیم، ضمن اینکه احتمالاً مقایسه حکومت پهلوی با حکومت صفوی می‌تواند مسأله فراگیری حکومت

را توضیح دهد. برخی از پادشاهان صفوی توانستند حکومتی فراگیر ایجاد کنند به این تعبیر که از سویی نهاد روحانیت شیعه را سازماندهی کردند و از سوی دیگر شاهنامه‌خوانی را در هر محله ترویج کردند و توجه به شاهنامه به‌عنوان سند هویت ملی ایران در دولت صفوی مورد توجه قرار گرفت. به‌علاوه، دولت صفوی ارمنه را نیز سازماندهی می‌کند تا بتواند نیروی بزرگ تجاری در برابر اروپاییان داشته باشد. فراگیری نظام سیاسی از عصر برخی از پادشاهان صفوی به‌گونه‌ای است که روحانیت شیعه و ارمنه را با هویت ایرانی در زیر یک چتر قرار می‌دهد. دین شیعه به حکومت رسمی ایران بدل می‌شود، اما در کنار آن، اقوام دیگر همچون ارمنه می‌توانستند زیر چتر حکومت سازماندهی شوند و قدرت داشته باشند. اما در مقابل، تجربه حکومت محدود عصر پهلوی است که به لحاظ فرهنگی ایران را دو شقه می‌کند و نه تنها به سمت سازماندهی اقشار اجتماعی نمی‌رود بلکه نیروهای اجتماعی سازماندهی شده را تضعیف یا منحل می‌کند و در نهایت این حکومت محدود با بحران مشروعیت روبرو می‌شود. به طور کلی حکومت محدود آنگونه که در دوره پهلوی ها تجربه شد با چند مشکل روبه رو شد. اولاً جریان‌هایی که از دایره قدرت بیرون می‌مانند، همواره تهدیدی علیه حکومت محسوب می‌شوند. هر قدر دایره نیروهای خارج از حکومت بزرگ‌تر باشد تهدید هم جدی‌تر است. این خطر زمانی جدی‌تر است که نیروی خارج از حکومت بتواند با تکیه بر یک چارچوب فکری ایدئولوژیک مخالفت خود را توجیه کند. به وضعیت حکومت پهلوی پس از کودتای ۲۸ مرداد توجه کنید، نیروهایی که خارج از حکومت بودند حکومت را نامشروع ساختند زیرا حکومت برخاسته از یک کودتا با همکاری بیگانگان برسر کار آمده بود و با قانون اساسی کشور که شاه ایجاد و نه سلطنت و نه حکومت کند، ناسازگار بود. این مشروعیت زدایی از حکومت در نهایت به سقوط حکومت منجر شد، اما قبل از سقوط هم موجب عوام زدگی در سیاست‌های اقتصادی و اداری و هم فساد گسترده شد. حکومت محدود و جامعه ستیز باید برای حفظ خود شبکه توزیع امتیازات درست کند که یا در قالب شبکه‌های سازمان یافته عمل خواهند کرد یا به صورت کلی به اقتدار گسترده امتیازات نادرست توزیع می‌شود آنچنان‌که در دوره پهلوی روی داد. پیامد دیگر حکومت تجربه شده محدود پهلوی آسیب دیدن شایسته سالاری بود که دایره

مردان در آن بسیار محدود بود. **■** **بنابر این شما تجربه دوره پهلوی را بر خلاف دوره صفویه ناکارآمد می‌دانید در آن جامعه از زیر یک چتر درآورد؟**
بله و بر همین اساس اگر بخواهیم بر گردیم به شرایط امروز جامعه باید گفت که نخستین مسأله این است که رئیس جمهوری بعدی باید به حکومت

## ”

**■** **امروزه هم ما به ایدئولوژی‌ای از سوی روشنفکران نیاز داریم که بتواند در کنار حکومت بودن و اصلاح امور را توضیح دهد و این مرزبندی‌های سیاسی بازتعریف شود. این حرکت هم نیازمند این است که از سویی، نگاه حکومت مانند حکومت صفوی به جریان‌های فکری تغییر کند و از سوی دیگر، روشنفکران نیز نقش‌شان را مورد بازبینی و بازتعریف قرار دهند**

و مردم کمک کند تا حکومت به سمت فراگیری بیشتر حرکت کند. بن مسیر باید خوب درک شود. در انتخابات پیش رو، آن چیزی که می‌تواند تغییر ایجاد کند، کناریکدیگر قرار دهد، امکان‌پذیر است. الگوی چنین مدلی در تاریخ ایران نیز چنانچه بیشتر اشاره کردم، حکومت صفویه است. اگرچه هیچ الگوی تاریخی زیر‌اصلاح نظام اداری و کارآمدسازی

در آستانه آغاز قرن جدید مسمی، مهم‌ترین سؤال مطرح در جامعه ایرانی از این قرار است: برای آینده ایران و حل چالش‌های آن چه سرنوشت یا راهی محتمل و متصور است؟ بازیگران سیاسی دو مسیر را روی میز می‌گذارند: اقتدارگرایی یا دموکراسی خواهی. اما احمد‌میدری راه سوم‌ی را پیش می‌نهد: ائتلاف و فراگیری سیاسی. مسأله دموکراسی خواهان یا حامیان اقتدارگرایی مشترک است؛ اینکه تجربه ۴۰ سال گذشته نشان داد وضعیت فعلی نمی‌تواند مسائل کشور و مردم را حل کند، بنابراین این وضعیت نه فقط قابل تاد نم نیست، بلکه باید در عرصه سیاسی طرح تازه‌ای درآفکند. به باور این عده، ساخت و بافت سیاسی فعلی ایران، اغلب یا به‌ترازم جریان‌های سیاسی مقابلی یکدیگرمنجر می‌شود یا به‌ترازم قوای سه‌گانه برابر هم و این هر دو، در نهایت نیروها،توان و ظرفیت‌های حل مسأله در کشور اِختنی می‌کند. باوجود اشتراک در مسأله، راه حل پیشنهادی دوگرایش متفاوت است: عده‌ای بر دموکراسی حد اکثری تأکید می‌کنند و دیگری هم اقتدارگرایی، در معنای یکپارچه شدن قوای حاکمیتی را راه‌حل ترازم فعلی می‌دانند.

اما آنچه این دو نحله فکری و سیاسی به آن توجه ندارند، این واقعیت است که این دو رویکرد در برهه‌های مختلف تاریخی تجربه شده و ناکارآمدی خود را نشان داده‌اند. ناکامی پروژه توسعه‌سیاسی حد اکثری اصلاحات وعقیم‌مانند اقتدارگرایی پهلوی هادو واقعیتی است که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. احمد‌میدری برپایه این تجارب تاریخی، راه حل سومی ارائه می‌دهد که از قضا راه حل او خود محصول تجربه‌ای تاریخی است:

مر ترضی گل‌پور خیبرنگار

### امروزه هم ما به ایدئولوژی‌ای از سوی روشنفکران نیاز داریم که بتواند در کنار حکومت بودن و اصلاح امور را توضیح دهد و این مرزبندی‌های سیاسی بازتعریف شود. این حرکت هم نیازمند این است که از سویی، نگاه حکومت مانند حکومت صفوی به جریان‌های فکری تغییر کند و از سوی دیگر، روشنفکران نیز نقش‌شان را مورد بازبینی و بازتعریف قرار دهند

و مردم کمک کند تا حکومت به سمت فراگیری بیشتر حرکت کند. بن مسیر باید خوب درک شود. در انتخابات پیش رو، آن چیزی که می‌تواند تغییر ایجاد کند، کناریکدیگر قرار دهد، امکان‌پذیر است. الگوی چنین مدلی در تاریخ ایران نیز چنانچه بیشتر اشاره کردم، حکومت صفویه است. اگرچه هیچ الگوی تاریخی

سیتسم نیازمند مشروعیت است و این مشروعیت فقط با یک چارچوب فکری که بتواند ایدئولوژی‌های مختلف را در کنار یکدیگر قرار دهد، امکان‌پذیر است.

الگوی چنین مدلی در تاریخ ایران نیز چنانچه بیشتر اشاره کردم، حکومت صفویه است. اگرچه هیچ الگوی تاریخی

## احمد میدری از تجربه متفاوت صفویه وپهلوی در نسبت حکومت و گروه‌های مدنی می‌گوید

# نیروهای اجتماعی برای توسعه با حاکمیت ائتلاف کنند

### سنت حکومتاری باید به حکومت فراگیر تبدیل شود

### و سنت روشنفکری از دولت ستیزی به دولت‌سازی تغییر یابد

فرآگیری سیاسی یاهمان ائتلاف نیروهای اجتماعی و حاکمیت در عصر صفویه، به باور میدری، در تجربه عصر صفوی، می‌بینیم که ائتلاف قاطبه روحانیت شیعه باحاکمیت، به همراه توجه حاکمیت به سرمایه‌های ملی مانند شاهنامه، توانست تجربه‌ای موفق در رونق کشور و حفظ کلیت و یکپارچگی سرزمینی ایران باشد. البته در چارچوب فکری وتحلیلی احمد‌میدری، ابتدا نیروهای سیاسی باید بیاورند که باحد اکثر ساری مطالبات راه به جایی نمی‌برند و چه بسا، این حد اکثرسازی رمنه سازمان محدودیت کش‌های آنان هم بشود. در مقابل، باتعدیل مواضع وخواست‌ها است که می‌توان انتظار داشت.

منافع وغایات جریان‌های اجتماعی وسیاسی وحاکمیت به یکدیگر نزدیک تر شود. میدری، این وظیفه را بیش از همه متوجه روشنفکران می‌داند و تأکید می‌کند که بازتعبیر رویکرد روشنفکران از مشروعیت زدایی به همکاری انتقادی است که می‌توان زمینه‌های مناسبی برای ائتلاف فراهم کرد. به هر رو، به باور این استاد دانشگاه تربیت مدرس، اگر خواستار قوی شدن دولت، کارآمدتر شدن پوروکراسی، افزایش توانایی حل مسأله، افزایش مشروعیت ومقبولیت ودر نهایت توسعه وبهروری ایران هستیم، همه طیف‌ها و طرف‌ها، باید بدانند که نخست، نیروی مقابل آنان هیچ‌گاه حذف شدنی نیست و دوم اینکه چنین اهدافی با مشارکت همه بازیگران یاهمان فراگیری سیاسی حاصل می‌شود. درغیر این صورت، تداوم بازی حذفی توانایی حل مسأله را کاهش می‌دهد وظرفیت‌های مادی ومعنوی ایران برای دستیابی به کامیابی راحدود ومعذورتر می‌کشد. او کنار گذاشتن این دیدگاه را، نخستین گام برای شکل‌گیری فراگیری سیاسی می‌داند. فراگیری به‌مقایسه وسیمتستری برای بازی همه بازیگران عرصه اجتماعی، سیاست، اقتصادوقدرت ایران، پرشش وپاسخ‌مکتوب باین استاد دانشگاه رامی‌خوانید.

سرتیپبازار موشن‌فکری، به باور این عده، ساخت و بافت سیاسی فعلی ایران، اغلب یا به‌ترازمجریان‌های سیاسی مقابلی یکدیگرمنجر می‌شود یا به‌ترازمقوای سه‌گانه برابر هم و این هر دو، در نهایت نیروها، توان و ظرفیت‌های حل مسأله در کشور اِختنی می‌کند. باوجود اشتراک در مسأله، راه حل پیشنهادی دوگرایش متفاوت است: عده‌ای بر دموکراسی حد اکثری تأکید می‌کنند و دیگری هم اقتدارگرایی، در معنای یکپارچه شدن قوای حاکمیتی را راه‌حل ترازم فعلی می‌دانند.

قابل تکرار نیست، اما درسی که نظام‌های سیاسی و دولت مدرن به ما می‌دهند این است که برای بقای حکومت، باید افرادی که در چارچوب یک جغرافیای واحد زندگی می‌کنند، به بقای سیستم ببیندیشوند و به تثبیت و تداوم اقتدار حکومت، اعتقاد داشته باشند. کما اینکه در دوره صفویه نیز وقتی که ایدئولوژی تشیع صفوی مطرح شد، اگر دیدگاه آن دسته از روحانیون مثل مقدس اردبیلی که اعتقاد به پرهیز از حضور در حکومت داشتند، حاکم می‌شد، حکومت صفوی نمی‌توانست آن فراگیری سیاسی را ایجاد کند. در صورتی که تفکری که علمای لبنان با اقتدار حکومت صفوی شکل دادند، این بود که می‌توان در کنار حکومت بود و موضع تشیع را قوام بخشید. امروزه هم ما به ایدئولوژی‌ای از سوی روشنفکران نیاز داریم که بتواند در کنار حکومت بودن و اصلاح امور را توضیح دهد و این مرزبندی‌های سیاسی بازتعریف شود. این حرکت هم نیازمند این است که از سویی، نگاه حکومت مانند حکومت صفوی به جریان‌های فکری تغییر کند و از سوی دیگر، روشنفکران نیز نقش‌شان را مورد بازبینی و بازتعریف قرار دهند. نظام و مردم به رئیس جمهوری نیاز

قابل تکرار نیست، اما درسی که نظام‌های سیاسی و دولت مدرن به ما می‌دهند این است که برای بقای حکومت، باید افرادی که در چارچوب یک جغرافیای واحد زندگی می‌کنند، به بقای سیستم ببیندیشوند و به تثبیت و تداوم اقتدار حکومت، اعتقاد داشته باشند.

کما اینکه در دوره صفویه نیز وقتی که ایدئولوژی تشیع صفوی مطرح شد، اگر دیدگاه آن دسته از روحانیون مثل مقدس اردبیلی که اعتقاد به پرهیز از حضور در حکومت داشتند، حاکم می‌شد، حکومت صفوی نمی‌توانست آن فراگیری سیاسی را ایجاد کند. در صورتی که تفکری که علمای لبنان با اقتدار حکومت صفوی شکل دادند، این بود که می‌توان در کنار حکومت بود و موضع تشیع را قوام بخشید. امروزه هم ما به ایدئولوژی‌ای از سوی روشنفکران نیاز داریم که بتواند در کنار حکومت بودن و اصلاح امور را توضیح دهد و این مرزبندی‌های سیاسی بازتعریف شود. این حرکت هم نیازمند این است که از سویی، نگاه حکومت مانند حکومت صفوی به جریان‌های فکری تغییر کند و از سوی دیگر، روشنفکران نیز نقش‌شان را مورد بازبینی و بازتعریف قرار دهند. نظام و مردم به رئیس جمهوری نیاز

سیتسم نیازمند مشروعیت است و این مشروعیت فقط با یک چارچوب فکری که بتواند ایدئولوژی‌های مختلف را در کنار یکدیگر قرار دهد، امکان‌پذیر است.

مجلس چنان که می‌دانیم از کمسیون‌های تخصصی مختلفی تشکیل شده و در حوزه اقتصاد کمسیون‌های تخصصی متعددی دخیل هستند. در دوره سیاسی که بخشی از آن به کمسیون امور داخلی کشور و شوراها مرتبط است ما کار خودمان را انجام می‌دهیم واین کمسیون طبیعتاً در موضوع وضع معیشت و اقتصاد وظیفه‌ای ندارد. ضمن اینکه در دوره دهم کار اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری و شوراها خیلی جلو رفته بود. یعنی به حدی رسیده بود که به صحن مجلس ارائه شود. برای همین در دور یازدهم به محض ورود نمایندگان به مجلس وتشکیل کمسیون یکی از موضوعاتی که دستور کار قرار گرفت همین قانون انتخابات بود. زیرا احساس ما این بود که بخشی از مشکلات سیاسی جامعه ما وجود نقص در قانون انتخابات برای نهادهای مختلف است چه ریاست جمهوری، چه شوراها و چه مجلس. به همین دلیل تصمیم گرفتیم که این قوانین را در مجلس یازدهم اصلاح و نهایی کنیم وبه تصویب برسانیم وقانون را برای اجرا به دولت ابلاغ کنیم. این وظیفه کمسیون امور داخلی کشور و شوراها بود و حتی ایجابی که از دولت آمده بود کار انجام شد. البته لایحه دولت خیلی کلی

دیگر مجلس کارهای خوبی انجام شده است. منتها چون موضوع انتخابات امر سیاسی است که پرنرنگ‌تر می‌شود و جامعه را با خودش درگیر می‌کند این اقدام مجلس بیشتر در رسانه‌ها به بحث گذاشته شد. **■ شما می‌فرمایید در مورد قانون انتخابات شوراها از مجلس قبل کاری انجام شده بود که باید نهایی می‌شد اما عده زیادی هم معتقد بودند که پیش از طرح‌های سه‌گانه مجلس یازدهم لویاح انتخاباتی هم به مجلس دهم ارائه شده بود. از جمله لایحه جامع انتخابات که گویاهم در دولت روی آن کار شده بود و هم رساله‌ها و محض ورت نمایندگان به مجلس و تشکیل کمسیون یکی از موضوعاتی که دستور کار قرار گرفت همین قانون انتخابات بود. زیرا احساس ما این بود که بخشی از مشکلات سیاسی جامعه ما وجود نقص در قانون انتخابات برای نهادهای مختلف است چه ریاست جمهوری، چه شوراها و چه مجلس. به همین دلیل تصمیم گرفتیم که این قوانین را در مجلس یازدهم اصلاح و نهایی کنیم وبه تصویب برسانیم وقانون را برای اجرا به دولت ابلاغ کنیم. این وظیفه کمسیون امور داخلی کشور و شوراها بود و حتی ایجابی که از دولت آمده بود کار انجام شد. البته لایحه دولت خیلی کلی**

دبیر هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا در گفت‌وگو با «ایران»:

## رد صلاحیت سلیقه‌ای نخواهیم داشت

مهرماه خوارزمی

خیبرنگار، حوزه انتخاب

**۲۸** خرداد سال آینده هم‌زمان با انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات شوراها، اسلامی شهر و روستا هم برگزار می‌شود. پیش از این هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات در مجلس شورای اسلامی تشکیل شده و این هیأت کار خود را آغاز کرده است. در همین

**■** **با توجه به اینکه هیأت‌های نظارت در هر دوره از انتخابات با اعضای جدیدی شکل می‌گیرند طبیعتاً انجام یک فرایند آموزش در هر دوره ضروری است. برای انجام این فرایند در این دوره و با توجه به قرار داشتن در شرایط همه‌گیری بیماری کرونا چه تمهیداتی پیش‌بینی‌شده؟**

در ادوار گذشته گروه‌های آموزشی وجود داشتند که در سفر به استان‌های مختلف، اعضای هیأت‌های نظارت را آموزش می‌دادند. محتوای این آموزش‌ها هم مشخص‌بر آگاهی دادن نسبت به قانون در انجام وظیفه نظارت است. اما با توجه به محدودیت‌های ایجاد شده به واسطه کرونا امکان برگزاری دوره‌های آموزشی مانند

**■** **در بحث اجرای انتخابات در دوره گذشته در ۱۳ شهر انتخابات الکترونیک برگزار شد. در انتخابات پیش رو با توجه به بحث همه‌گیری کرونا و هماهنگی با**

<sup>[1]</sup> این هیأت کار خود را آغاز کرده است

<sup>[2]</sup> این هیأت کار خود را آغاز کرده است

<sup>[3]</sup> این هیأت کار خود را آغاز کرده است



پول‌فشل‌نشده، ایران

## دود تشکل زدایی از جامعه در نهایت به چشم حاکمیت می رود. یا به‌عبارت دیگر حذف نیروهای سیاسی برای هر حکومتی شدنی است. حکومت‌ها می‌توانند نیروهای سیاسی را منزوی سازند، آنها را به زیرزمینی تبدیل کنند، منفعل سازند، ... اما هرگاه قدرت نیروهای سیاسی بی‌تشکل شوند و تشکل‌زدایی صورت گیرد امکان غافلگیری بیشتر می‌شود. تشکل نداشتن نیروهای اجتماعی حکومت‌ها را غافلگیر می‌سازد

فراگیر باشد. منظور ما از فراگیری، این است که حکومت بتواند با جامعه متشکل و سازماندهی شده، تعامل کند و به توافق‌هایی برای پیشبرد امور، دست یابد. «چرا بر «فراگیری» تأکید می‌کنید، درحالی‌که برخی بر «دموکراسی» تأکید می‌کنند؟ تفاوت این دو چیست؟ سازمان‌یافتگی جامعه بر دموکراتیزاسیون مقدم است. مسأله فراگیری که بیشتر اصطلاح اقتصاددانان است (Inclusive Growth) یا همبستگی به اصطلاح جامعه‌شناسان در شکل‌های مختلف سیاسی امکان پذیر است. بسیاری از نظام‌ها با اشکال مختلف حکومتداری توانسته‌اند همه مردم را زیر یک چتر داشته باشند. دهه ۶۰ و دهه ۹۰ ایران را مقایسه کنید. آیا در واقعیت نهادهای سیاسی تغییر اساسی رخ داده است؟ انتخابات و نظارت استصوابی تقریباً همان است، تعریف خودی و غیرخودی عوض شده است. مسأله به فهم ما از «دموکراسی» و فرایند گذر به آن بر می‌گردد. سازمان‌یافتن مردم عین دموکراسی و مقدمه واجب آن است.
**■ در اهمیت مسأله فراگیری یا ائتلاف میان نخبگان قدرت، به دو تجربه عصر صفویه و عصر رضاشاه اشاره کردید. تجربه صفویه چه مختصات مثبتی دارد که آن را برجسته می‌کنید؟**

**■** الگوی صفوی، توانمندسازی و هم‌افزایی توأمان حکومت و جامعه است. باید این دو دوره مهم به صورت تطبیقی مطالعه شود. من تاریخ نمی‌دانم، اما می‌دانم در دوره صفویه بخش مهمی از نیروهایی که هنوز دارای سازمان اجتماعی هستند در آن دوره سازماندهی شدند. تجربه سازمان یافتن روحانیت شیعه در عصر صفوی سپس برخورد رضاشاه و پیش‌ریش با این سازمان بسیار آموزنده است. شکل‌گیری دستگاه روحانیت را اجازه دهید از یک متن با هم مرور کنیم:

ارتباط متقابل میان این بخش دینی و بخش سیاسی می‌توانستند از یکدیگر کسب مشروعیت کرده و از نهاد دین در خدمت سیاست استفاده کنند. طبعاً فتاوا و احکامی که از طرف سلاطین عثمانی علیه صفویان صادر می‌شد، از نظر مذهبی حکومت صفوی را در موضع ضعف قرار می‌داد؛ بنابراین، درواکش به ستیزها و چالش‌های عثمانی، دولت صفوی نیازمند آن بود که یک نهاد فقهی و دینی داشته باشد. با متصوفه و دراویش که هیچ‌گونه آموزه و متنی نسبت به دین نداشتند، این کار امکان‌پذیر نبود. ضمن آنکه فشار خارجی تکوین یک نهاد رسمی دینی را ایجاد می‌کرد ( آقاچری، هاشم (۱۳۸۰)، کنش دین و دولت در ایران عصر صفوی، تهران: انتشارات باز، ص ۲۱).

شاه طهماسب‌ک به به نظریه فقهی علما برای حکومتش نیازمند بود، با طرح مشارکت علما در دولت صفوی به ائتلافی با نهاد روحانیت شیعه دست زد. طهماسب با پذیرش این امر که فقیه جامع‌الشرایط یا به تعبیر آن روز «مجتهد الزمانی» در عصر غیبت تمام اختیارات امام معصوم را دارد و از روی مصلحت، قدرت سیاسی مشروع خود را به سلطان واگذار می‌کند، پادشاه، نایب مجتهد برای اداره کشور می‌شود، بدین ترتیب شاه طهماسب توانست هم به حکومت خود در دیدگاه فقهی شیعه مشروعیت ببخشد و هم روحانیت شیعه را به‌عنوان یک نهاد قدرتمند اعتلا دهد ( رجبی دوانی، محمد حسین، (۱۳۸۸). آرای فقیهان عصر صفوی درباره تعامل با حکومت‌ها، فصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی، سال ۵، شماره ۹، بهار و تابستان، ص ۵۸). شاه طهماسب به محقق کرکی از مجتهدان لبنان که به ایران آمده بود گفت که «شما امروز نایب امام هستید، شایسته‌تر به مقام سلطنت هستید و من یکی از کارگزاران شمایم که اوامر و نواهی شما را به مرحله اجرا می‌گذارم» (صفت گل، منصور، (۱۳۸۱). ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، تهران: رسا، ص ۱۵۶). این پیوند را (ائتلاف پیروز) میان نهاد سلطنت و نهاد روحانیت شیعه نام‌گذاری کرده‌اند که از یک جهت موجب تقویت نهاد سلطنت صفوی شد و از طرف دیگر، موجب تحکیم نهاد روحانیت شیعه نوبا گردید. با شکل‌گیری ائتلاف میان نهاد سلطنت و نهاد روحانیت شیعه، فقهای برجسته‌ای مانند کرکی که از ظهور دولتی اثنی عشری شادمان بودند، دانش و نفوذ و توانایی‌های فقهی و مذهبی خود را در اختیار دعای سیاسی- مذهبی دولت صفوی قرار دادند. این امر خود مستلزم پاره‌ای تصمیم‌گیری‌های جدید درباره نحوه رفتار با دولت جدید و احیاناً ارائه تقصیرهای جدید از متون ریشه‌دار و دیدگاه‌های سنتی جامعه علمی شیعی اثنی عشری، مخصوصاً در پیوند با مسأله حکومت و قدرت سیاسی بود (صفت گل، ص ۱۵۳). هر چند که سلطنت صفوی از این امر منتفع شد، اما در واقع معامله‌ای برد- برد شکل گرفت. از این پس، شاه طهماسب به‌عنوان حاکم عرف به همه امرا و استادان و حاکمان شرع و عرف، دستور داد تا به آنچه محقق کرکی امر می‌کند بدون استثنا عمل کنند. محقق کرکی مختار شد به جهت هر یک از شهرهای ولایت ایران مرشد و معلم تعیین کرده، به هر دهه و قصبه

در مورد نظرات در صلاحیت نامزدها ما باید به فر قانون عمل کنیم تا خدای نکرده در اثر اغماض یا بی‌توجهی افرادی وارد شورا نشوند که در آینده برای شوراها مشکل ساز باشند. در این باره دووظیفه عمده بر عهده هیأت نظارت بر انتخابات شوراها قرار دارد. یک وظیفه حفاظت از حق عامه مردم و حق حاکمیت است که ایجاد می‌کند ما قانون را به درستی اجرا کنیم و ورود افراد ناسالم به انتخابات شوراها جلوگیری کنیم. ما این را وظیفه خودمان می‌دانیم. وظیفه دیگر ما محافظت از حق شخصی است که نسبت به جامعه احساس وظیفه می‌کنند و می‌خواهند خود را در معرض انتخاب قرار دهند و باید از تضییع حقوق‌شان جلوگیری کرد. به نظر من اجرای درست قانون، تحقق هر دو وظیفه را میسر می‌سازد یعنی همان‌طور که نظرات مراجمی که در قانون پیش‌بینی شده درباره صلاحیت افراد وارد است. باید از رد صلاحیت سلیقه‌ای افراد جلوگیری کنیم.
**■ یک نظر مورد اختلاف در این باره این است که بعضی نمایندگان مجلس از وجودتخلفات گسترده در شوراهای شهر سخن می‌گویند در حالی که نظر شورای عالی استان‌ها این است که میزان تخلفات به نسبت تعداد اعضای**

نیز و در هر مکانی به مناسبت مردم آن به زبان معلمان از طلبه علم عربی لسان یا فارسی و ترکی زبان فرستاده، مردم هر ناحیه را به لغت خودشان به دین و آیین شیعه راهنمایی نموده، حلال و حرام مذهب حق را به مردم بیاموزد (جعفریان، رسول. (۱۳۸۴). قم: نشر ادیان، ص ۹۲۹). این حکومت را با حکومت پهلوی مقایسه کنید که نه روحانیت و نه سایر نیروهای اجتماعی را سازماندهی نکرد بلکه همه نیروهای اجتماعی سازمان یافته را که در به قدرت رسیدن آن سهیم بودند، کنار گذاشت و سپس آنان را قلع و قمع کرد. آن حکومت یک امپراطوری را بنیانگذاری می‌کند و این یکی با نسیمی می‌افتد.

**■ آیامی‌توان با حذف گروه‌های اجتماعی، سامان سیاسی و دولت مقتدر ایجاد کرد؟ چرا که امروز شاهد یک دوقطبی در جامعه هستیم؛ عده‌ای قائل به حذف تشیع به‌عنوان مذهب رسمی هستند و عده‌ای دیگر، همه دگرنادیشان و دگرباشان را حذف شده می‌خواهند؟**

دود تشکل زدایی از جامعه در نهایت به چشم حاکمیت می‌رود. یا به‌عبارت دیگر حذف نیروهای سیاسی برای هر حکومتی شدنی است. حکومت‌ها می‌توانند نیروهای سیاسی را منزوی سازند، آنها را به زیرزمینی تبدیل کنند، منفعل سازند، ... اما هرگاه قدرت نیروهای سیاسی بی‌تشکل شوند و تشکل زدایی صورت گیرد امکان غافلگیری بیشتر می‌شود. تشکل نداشتن نیروهای اجتماعی حکومت‌ها را غافلگیر می‌سازد.

**■ اشاره کردید که ما «فاقد تجربه ائتلاف و هم‌افزایی میان حکومت و جامعه بوده‌ایم، دست‌کم مصادیق روشن و موفقی از آن را سراغ نداریم، به نحوی که سراسر تاریخ ما مشحون از تجربه‌های انشعاب و انشقاق است.» علت این امر و پیامدهای آن برای توسعه ما چه بود؟**

من تصحیح کنم: هرگاه حکومت‌های ایران با ثبات بودند ائتلاف‌های اجتماعی را شکل داده‌اند. حکومت‌هایی که ۲۰۰ سال یا بیشتر در ایران دوام داشتند درمی‌یافتند که باید دهقانان، اصفای روحانیون (موبدان زرتشت یا علمای اسلام)، صوفیان و قباایل را سازمان دهند و با آنها ائتلاف کنند تا چرخ اقتصاد و سیاست بچرخد. رضاشاه و محمدرضاشاه از خامی و بی‌تجربگی حاکم نهادهای مدنی در افتادند. اگر مانند ساسانیان، ساسانیان، سلجوقیان و صفوی عمر بیشتری می‌داشتند در حکومتداری خود تجدید نظر می‌کردند. به قول آن لمبتن «اهل شمشیر» می‌دانستند بقای حکومت بر احترام «اهل قلم» و «اهل معامله» است. اهل قلم همان دیوانسالاران، علما و ادبا بودند و اهل معامله تجار و صنوف بودند. جابه‌جایی در اهل شمشیر با جنگ و تغییر در نظام سیاسی رخ می‌داد اما اهل قلم و اهل معامله عناصری نبودند که بسادگی بتوان آنها را ایجاد کرد. ائتلاف یا آنها از ضرورت‌های حکومتداری بود. از حکومت پهلوی است که نفت در رضاشاه این تصور را ایجاد کرد که می‌توان کن فیكون کند. کن فیكون کرد اما خود را نیز بر باد داد. درآمد نفت دولت‌ها را دچار یک توهم بزرگ ساخته است که بی‌نیاز از تشکل‌های مردمی هستند. در سنت رضاشاهی حاکم تصور می‌کند که با درآمد نفت می‌تواند مدیر، هنرمند، تاجر، علم،

آخر به عصیان می‌انجامد. مشروعیت، همان‌طور که گفته شد به فراگیری سیاسی نیازمند است یعنی با وجود همه نقدهایی که به حکومت دارند برای حفظ و ارتقای آن تلاش کنند. این فراگیری به ایدئولوژی نیاز دارد که همه ایرانیان را زیر چتر واحد ببرد. ایدئولوژی که محصول

آن غیرخودی کردن بخش‌های بزرگی از جامعه باشد ضربه جبران‌ناپذیر وارد می‌سازد. توانمندسازی حکومت و حل مشکل مردم در گرو افزایش مشروعیت نظام است.

**■ شما اشاره کردید که «حکومتی می‌تواند پایدار و کارآمد باشد که به لحاظ ایدئولوژی**



بود و به نظر در خیلی از مسائل پاسخگوی نیازهای انتخاباتی ما نیست. یعنی باید بیشتر دولت روی این لایحه کار می‌کرد. حتی یادم هست که در مجلس دهم چون خودم در کمیسیون بودم وقتی لایحه دولت آمد بحث اول این بود که لایحه را برگردانیم زیرا به نظر ما جامع و کامل نبود و کلی بود. ما موقعی که انتخاباتی برگزار می‌شود در پایان آن یک جمع‌بندی کلی از انتخابات داریم، نقاط قوت و ضعف قانون که در انتخابات خود را نشان می‌دهد، گزارش می‌کنیم. در همین انتخابات یک گروه تعیین کرده ایم تا جمع‌بندی از نقاط ضعف قانون انتخابات شوراها آماده کنیم و در اختیار کمیسیون قرار بدهیم تا در جریان شدن در صحن است.

**■ الان ایراد اساسی که درباره شوراها مطرح می‌شود این است که به شوراهای شهرداری و دهرداری تبدیل شده‌اند. درحالی که ظرفیتی که در قانون پیش‌بینی شده این است که باید تمام خدماتی که به مردم یک شهر داده می‌شود تحت نظر شورا باشد، اما متأسفانه دولت‌ها علاقه‌ای به اینکه این مسئولیت را واگذار کنند نداشته‌اند و به همین دلیل ما باید باصلاح قانون آنها را به این امر مجاب کنیم. اینکه می‌گویم عجله نکنیم منظورم این است، این گونه نباشد که صرفاً دو بند قانونی برای نحوه اجرای انتخابات شوراها تغییر بدهیم و بگوییم همه چیز حل شد. بلکه باید کاری کنیم که بنسود با اصلاح قانون از همه ظرفیت شورا در اداره شهر و روستا استفاده کرد. برای همین است که می‌گویم عجله نکنیم تا قانون را در دست اصلاح کنیم؛ هم اختیارات قانونی به شورا بدهیم و هم نظارت قانونی بر عملکردش داشته باشیم.
**■ به تخلفات رخ داده در شوراها اشاره داشتید. این موضوع طبیعتاً از حیث نظارتی در دو مرحله تأیید صلاحیت نامزدها و دوم نظارت بر عملکرد منتخبان و اعضای شوراهامطرح است. آیا اشاره‌تان به تخلفات به این معنا است که در این دوره رویکرد متفاوتی در تأیید صلاحیت داوطلبان اعمال می‌شود؟****

بنابراین ما باید هم در سازوکار نظارت انتخاباتی و هم در سازوکار نظارت بر عملکرد پس از انتخاب به نحوی عمل کنیم که این تخلفات را کاهش بدهد و کنترل کند. زیرا گاهی اقدامات سلیقه‌ای و به فراموشی سپردن قانون منجر به تخلف می‌شود که ما باید جلوی چنین روندی را با اصلاح قانون بگیریم.
**■ ماهیت شورای اسلامی شهر و روستا تجلی دموکراسی حداکثری است. از این جهت در ادوار مختلف انتخابات شوراها ستوه به عملکرد هیأت نظرات شاهد بوده‌ایم و به نظر طیف گسترده‌تری از مردم توانسته‌اند خود را در معرض انتخاب قرار دهند. به همین دلیل یک نگرانی این است که مقابله با تخلف در شوراها به بهای تنزل این سطح از دموکراسی تمام شود. برای رفع این نگرانی چه باید کرد. آیا بهتر نیست که به جای سختگیری بیشتر در تأیید صلاحیت‌ها، نظارت سختگیرانه‌تر بر عملکردها اعمال شود؟**

قانون در تأیید صلاحیت‌ها است. قانون در این مورد کاملاً شفاف است و مراجمی برای کمک به احراز صلاحیت افراد پیش‌بینی شده‌اند. هیأت‌های نظارت باید گزارش این نهادها را درباره افراد بررسی و تصمیم‌گیری کنند و از ورود افراد ناصالح به این حوزه جلوگیری کنند. بحث دیگر هم همان‌طور که گفتیم این است که به دلیل نوع کارکرد شوراهای نایب در نظارت بر عملکرد آنها وجود دارد. در خیلی جاها این نظارت است که باید از اعمال سلیقه به جای قانون جلوگیری کند. قانون بیشتری در نامزدهای این انتخابات شاهد بوده‌ایم و به نظر طیف گسترده‌تری از مردم توانسته‌اند خود را در معرض انتخاب قرار دهند. به همین دلیل یک نگرانی این است که مقابله با تخلف در شوراها به بهای تنزل این سطح از دموکراسی تمام شود. برای رفع این نگرانی چه باید کرد. آیا بهتر نیست که به جای سختگیری بیشتر در تأیید صلاحیت‌ها، نظارت سختگیرانه‌تر بر عملکردها اعمال شود؟
من معتقدم اینها به مثابه دو بال اند که باید هر دو با هم اعمال شوند. البته من اسمش را سختگیری نمی‌گذارم. بلکه آنچه باید اعمال شود درست اجرا کردن کلان کشور تصمیم‌گیری کنند.